

تحدید حقوق دفاعی متهم در تعقیب و دادرسی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

چکیده:

حقوق دفاعی متهم از ارکان اساسی دادرسی عادلانه به‌شمار می‌آید و تضمین‌کننده توازن میان اقتدار حاکمیت در تعقیب جرم و صیانت از آزادی‌های فردی است. مبنای این حقوق در نظام حقوقی ایران در اصول قانون اساسی و مواد قانون آیین دادرسی کیفری به‌ویژه ماده ۱۹۰ آن دیده می‌شود و در اسناد بین‌المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. رعایت این حقوق نه تنها از تضییع احتمالی آزادی‌های فرد جلوگیری می‌کند بلکه موجب ارتقای اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری می‌گردد. وظیفه قانون‌گذار در هر جامعه‌ای مهیا کردن امکانات و تمهیدات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی به‌طور یکسان برای همه افراد است؛ تا بتوان گفت هیچ تبعیضی بین افراد وجود ندارد. در این راستا اعطای حقوق دفاعی متهم، می‌تواند تضمین‌کننده و تأمین‌کننده تساوی حقوق طرفین دعوی کیفری باشد. مسئله اصل برابری سلاح‌ها موضوعی است که در آیین دادرسی کیفری و در قبال متهم، نمود خاصی دارد به‌طوری‌که وجود چنین اصلی موجب می‌شود که متهم در برابر دادستان که از همه امکانات حقوقی برای ایراد اتهام و تحمیل آن بر متهم برخوردار است و حقوق وی با تحدید کمتری مواجه شود؛ لذا قانون‌گذار و محاکم قضایی باید تدابیر لازم جهت رعایت حقوق متهم و جلوگیری از تحدید آن را فراهم نماید و امکانات لازم در اختیار متهم بگذارد تا بتواند در صورت بی‌گناهی از اتهامات ناروا تبرئه شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که حقوق دفاعی متهم از فربه‌ترین مباحث حقوق بشر است و در اسناد حقوق بشری متعدد بدان توجه جدی شده است؛ به‌طوری‌که تحدید حقوق دفاعی متهم را با ضمانت اجرایی مواجه می‌دانند؛ موضوعی که تا حدودی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای کاهش تحدید حقوق دفاعی متهم نسبت به آن کوتاهی شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی مورد نگارش قرار گرفته است.

کلمات کلیدی:

متهم، حق دفاع، دادرسی عادلانه، تحدید حق

۱. مقدمه

اصل تساوی سلاح‌ها با احترام به حقوق دفاعی متهم ارتباط مستقیم دارد. نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم می‌تواند به نقض اصل برابری سلاح‌ها منجر شود. به بیان دیگر، رعایت حقوق دفاعی تضمینی برای برقراری توازن و برابری میان طرفین است. محاکمه مجرمین راهی برای تأمین امنیت و آسایش عمومی است و این راه باید در پناه عدالت و انصاف باشد و دادرسی که برای محاکمه صورت می‌گردد به این جهت که باید کلیه حقوق و آزادی‌های متهم را تأمین کند. در برخی موارد به‌کارگیری رویکرد امنیت‌گرا در نحوه‌ی پاسخ‌گویی و پاسخ‌دهی در قبال بزهکاری، موجب عدول از موازین حاکم سبب تحدید حق دفاع متهمان گردیده و آیین دادرسی کیفری ایران در این حوزه از انسجام کافی و لازم برخوردار نمی‌باشد؛ شاید به همین دلیل است که اسناد بین‌المللی حقوق بشر همواره سعی در حمایت از موقعیت نابرابر و آسیب‌پذیر متهم با استفاده از پادمان‌ها و ارتقای نقش وی در روند کیفری تا سطح مقام دادستانی برای کسب موقعیت برابر داشته است. طبیعتاً در صورت عدم رعایت این اصل، متهم نمی‌تواند در برابر اتهامات وارده از خود دفاع کند؛ بنابراین به حقوق دفاعی باید از منظر برائت نگریست. بدین معنا که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و محاکمه بی‌گناه است و مرجع عدالت کیفری می‌تواند ثابت کند که متهم از نظر ارتکاب جرم مستحق فرض مذکور نیست؛ مگر به حکم قانون. بدیهی است که متهم نیز حق دعوا و پاسخ دارد در واقع متهم در مراحل تعقیب و دادرسی، حق دفاع وی مستلزم آن است که نه تنها فرض برائت بر وی فرض شود، بلکه همان‌گونه که دادستان با استفاده از یک سلسله ابزارهایی که به عنوان دلایل اثباتی شناخته می‌شوند، متهم هم حق دارد به این سلسله ابزارهای مقرر در قانون دسترسی داشته باشد. چراکه ممکن است در این روند قضایی، حقوق دفاعی از متهم با اظهارات مدعی‌العموم به چالش کشیده می‌شود و نقش وی از فردی منفعل به فردی فعال و مبتکر تبدیل می‌شود. باید اذعان نمود که در اسناد حقوق بشری شخصی که در امر دادرسی کیفری در جایگاه متهم قرار می‌گیرد برخوردار از یکسری حقوق دفاعی است که این حقوق نباید مورد تحدید قرار گیرند؛ به همین خاطر بعضی از این حقوق به علل مختلف و به‌صورت حداقلی به‌نظام حقوقی ایران ورود یافته و برخی از آن‌ها با ایجاد تغییراتی اجرا می‌گردند. این مقاله به بررسی چند پرسش اساسی می‌پردازد: این که چه مواردی را می‌توان به عنوان محدودیت‌های حقوق دفاعی متهم برشمرد؟ اسناد بین‌المللی و مبانی حقوق بشر تا چه حد به این مسئله توجه کرده و در عمل به آن متعهد بوده‌اند؟

۲. مفاهیم و مبانی

توجه به مفاهیم و مبانی موضوع تحدید حقوق دفاعی متهم در تعقیب و دادرسی کیفری، از آن جهت ضرورت دارد که تبیین حدود و ثغور اختیارات مقامات قضایی و تضمین توازن میان مصالح عمومی و حقوق فردی را ممکن می‌سازد. در نظام کیفری ایران، برخی محدودیت‌ها بنا به یکسری مبانی توجیهی توجیه می‌شوند؛ در حالی که ادر برخی اسناد بین‌المللی، به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، بر تضمین مطلق حق دفاع و اصل برائت تأکید دارند.

اصل برائت مهم‌ترین اصل از اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری است. مفهوم اصل مزبور در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی ایران به صراحت مطرح است. (مودن زادگان، ۱۴۰۳: ۳۷۳). بررسی این مبانی، زمینه تحلیل مشروعیت و تناسب این

محدودیت‌ها را فراهم کرده و ارزیابی سازگاری نظام حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌سازد؛ در ادامه به بررسی مفاهیم و مبانی پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۲. مفاهیم

روشن شدن مفاهیم و مبانی نظری تحقیق، بی‌شک تأثیر عمیقی بر فهم و استنباط موضوع دارد؛ چرا که اگر اختلافات پیرامون تعریف و مبانی حل شود و از پرده‌ی ابهام خارج گردد، درک ماهیت و چیستی آسان‌تر شده، بنابراین راه‌حل‌ها بهتر رخ می‌نماید و از برخی اشتباهات جلوگیری خواهد کرد. به همین خاطر در این بند به بررسی مفاهیم و مبانی موضوع، پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲. حقوق متهم

مراد از حقوق در این پژوهش، مجموعه‌ای از امتیازات و اختیارات مشخص است که به هدف ایجاد امنیت قضایی و تحقق عدالت، جهت حفاظت از حقوق و آزادی‌های متهم توسط شارع پیش‌بینی شده و اجرای آن نیز از طریق قوانین و مقررات مورد تضمین قرار گرفته است. برای حفاظت از حقوق و آزادی‌های متهم از سوی شارع وضع شده و اجرای آن نیز از طریق قوانین و مقررات تضمین شده است. (برابری لاریمی و تقی قبولی درافشان ۱۳۸۹: ۲۵) متهم در لغت عرب بر وزن محترم از ماده «وهم» است. طریحی در تعریف وهم می‌گوید: «وهم عبارت است از سهو و آن چه که در خاطر و خیال واقع می‌شود» (طریحی، ۱۳۹۵: ۱۸۵) در تعریف دیگری از ماده وهم بیان شده است که به معنای تصور و تخیل چیزی در ذهن است، خواه آن چیز در جهان خارج وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد. همچنین در ارتباط با معنای لغوی «متهم» به آن اشاره شده است «متهم مأخوذ از لفظ «تهمه» کسی که مورد اتهام واقع می‌باشد». (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ۸۸).

۲-۱-۲. حق بودن یا حق داشتن

برای درک بهتر مفهوم حقوق دفاعی و دامنه شمول آن، ابتدا باید مفهوم «حق» را مورد بررسی قرار داده و جایگاه حقوق دفاعی را در این چارچوب تعریف کنیم. یکی از نخستین و برجسته‌ترین تقسیم‌بندی‌ها درباره معنای «حق»، تفکیک آن به دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» است. در این دیدگاه، «حق» در معنای نخست، جنبه‌ای ارزشی دارد و اغلب مترادف با درست یا خوب بودن به‌کار می‌رود که از نظر تاریخی نیز بر معنای دوم تقدم دارد؛ اما «حق» در معنای دوم، به برخورداری فرد از امتیازاتی اشاره می‌کند که توسط نظام حقوقی پشتیبانی می‌شوند و معمولاً در تضاد با تکلیف تعریف می‌شود. این برداشت دوم، محصول دوران مدرن است و در جریان تلاش‌های نظری و عملی بشر برای دستیابی به آزادی و برابری شکل گرفته و تکامل یافته است. (گلدینگ، مارتین پی. ۱۳۸۱: ۱۸۶)

۲-۲. مفهوم حقوق دفاعی

از یک دیدگاه می‌توان حقوق را به دو دسته حقوق رویه‌ای و حقوق ماهوی تقسیم کرد. منظور از حقوق ماهوی در نظام حقوقی، حقوقی است که ذاتاً برای دارنده آن ارزشمند بوده و از حمایت قانونی برخوردار است. از سوی دیگر، حقوق رویه‌ای آنهایی هستند که برای حمایت و احقاق حقوق ماهوی به کار می‌روند. (Bryan, 2004: 51). بر اساس تعریف دیگری، حق دفاع متهم به برخی از تضمین‌های حقوقی و قضایی است که در سطوح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی برای حمایت از حقوق متهمان در فرآیند رسیدگی به

پرونده‌های کیفری در نظر گرفته شده‌اند. این تضمین‌ها با هدف رسیدن به تصمیمی منصفانه و مبتنی بر اصول قانونی تدوین شده‌اند. (آشوری، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

۳. مبانی نظری

فرض بی‌گناهی (اصل برائت) به‌عنوان اصلی‌ترین مبانی حقوق دفاعی متهم مطرح است، به‌طوری‌که این اصل به‌عنوان یکی از اصول بنیادین و راهبردی دادرسی کیفری ایجاب می‌کند تا شمول حقوق دفاعی متهم را در محله تحقیقات مقدماتی و دادرسی جاری بدانیم. (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در همین راستا اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز اصل برائت متهم را تعیین کرده است؛ بر اساس ماده پیش گفته، هیچ شخصی طبق قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم وی ثابت شود. از دیگر مبانی حقوق دفاعی از متهم می‌توان به اصل تساوی سلاح‌ها اشاره کرد. به‌طور کلی، رابطه مستقیمی میان اصل تساوی وسایل دفاعی و اصل حقوق دفاعی متهم وجود دارد. با این حال، تفاوت اصلی این دو اصل در میزان گستردگی و دامنه شمول آنها نهفته است. به این معنا که اصل تساوی وسایل دفاعی مفهومی جامع‌تر داشته و هم حقوق دفاعی متهم و هم مدعی‌العموم را در بر می‌گیرد. در مقابل، اصل حقوق دفاعی متهم تنها بر حق دفاع مختص به متهم تمرکز دارد و هدف آن صرفاً حمایت از متهم به‌عنوان یک طرف دعواست. این اصل یکی از اصول اساسی در فرآیند دادرسی است و به این معناست که باید شرایطی فراهم شود تا هر یک از طرفین دعوا بتوانند در جایگاهی برابر، ادعاها و دفاعیات خود را مطرح کنند که اساساً آنها را در وضعیت بدتری نسبت به رقیب خود قرار دهد. در این راستا قانون‌گذار کوشیده است در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برخی از مقررات این قانون را بر اساس همین اصل با الهام از قوانین کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه وضع کند. اگرچه قانونگذار ایران صراحتاً اصل تساوی سلاح‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه در نظام کیفری ایران به رسمیت شناخته نشده است، اما با استناد به مواد قانون آیین دادرسی کیفری، به‌ویژه مواد ۲ تا ۶، نمونه‌ها و جلوه‌های این اصل و توجه به اجرای آن در فرآیند دادرسی کیفری، از اهمیت بالایی برخوردار است. (سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۴۴).

۴. تحدید حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

بایسته‌های منصفانه و عادلانه دادرسی، تضمینات کلی در جهت رعایت حقوق طرفین از آغاز فرآیند دادرسی تا صدور حکم و اجرای آن می‌باشد و قانون‌گذار همه مراجع قضایی و قضات را ملزم به رعایت آن می‌نماید (رنجبر، ۱۴۰۱: ۳۷۳). آیین دادرسی کیفری نیز حمایت مؤثر از حقوق و منافع و تضمین آن‌ها را بر عهده دارد (Gassin: ۲۰۰۶: ۱۰۸). علی‌رغم چنین تأکیداتی، سیاست‌گذاران جنایی کشور، در فرآیند دادرسی برخی از جرایم اقدام به اعمال محدودیت در حقوق دفاعی متهمان نموده‌اند. این محدودیت‌سازی گاه در قالب قانون‌گذاری و گاه از رهگذر تدابیر اجرایی و اقدامات عوامل اجرایی انجام می‌شود (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۵). در سال‌های اخیر با تحدید حقوق دفاعی متهم برخی از مهم‌ترین تضمینات حاکم بر دادرسی منصفانه با محدودیت مواجه گردیده و موجبات تحدید حق دفاع متهمان را در عمل فراهم نموده است که نمود آن را می‌توان در اعمال محدودیت در فراهم نمودن تسهیلات و تمهیدات دفاعی برای متهمان مثال زد، به همین خاطر در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین مصادیق آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. عدم اهتمام لازم در احراز هویت

اهمیت احراز هویت اشخاص پرونده به ویژه متهم بر کسی پوشیده نیست؛ اما از نظر حجم کار و فشار کاری، تلاش کافی در این زمینه صورت نمی‌گیرد و مشخصات کامل متهم، شاکی و شاهد به دست نمی‌آید که مشکلات زیادی را در مراحل بعدی به ویژه اجراء ایجاد می‌کند. در بسیاری از موارد قضات شماره تلفنی از متهم گرفته نمی‌شود و یا به دلیل سرعت تایپ، شماره تلفن یا آدرس ناقص وارد می‌شود که این امر عامل مهمی در کندی فرآیند تحقیقات است و مشکلات زیادی را در پرونده ایجاد می‌کند. همین طور معمولاً تصویر متهم در پرونده منعکس نمی‌شود که این امر علاوه بر عدم شناسایی متهم می‌تواند مشکلاتی از قبیل تبانی و معرفی فرد دیگری به جای متهم واقعی و محکوم را به همراه داشته باشد. لذا به منظور تنظیم سابقه کیفری و شناسایی متهمان دارای سوابق کیفری، پیشنهاد می‌شود برای هر یک از متهمان، فرمی مشتمل بر چهار فصل تهیه و به پرونده پیوست و هر فصل در مرحله رسیدگی خود توسط دادسرا اصلاح شود. شعبه رسیدگی کننده می‌تواند در سامانه CMS در فیلد مربوط به شخص فایل یا فیلد مربوط به این اثر طراحی کرد تا فرم قابل چاپ و خواندن باشد. (نورتون، ژوزف جی و شمس، هبا، ۱۳۸۲: ۸).

۴-۲. تحدید حق بهره مندی از وکیل

بنا به اصل ۳۷ قانون اساسی، «اصل بر این است که هیچ‌کس مجرم محسوب نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه به اثبات برسد. این اصل ملهم از بند (۱) ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی بوده و ماده ۴ ق.ا.د.ک اصالت آن را تصدیق کرده است. منع موکل در انتخاب وکیل، خود اقدامی محدود کننده و سالب آزادی است که جز به رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نبوده و نقض اصل برائت است. (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۸۵).

آزادی فردی یکی از اساسی‌ترین حقوقی است که به عنوان بخشی از حقوق بشر پذیرفته شده است و در اسناد بین‌المللی نیز دولت‌ها ملزم به حمایت از آن هستند. بر این اساس، سلب آزادی تنها در موارد خاص طبق قانون به دستور مقامات قضایی و به ضرورت اجتناب ناپذیر جایز است. یکی از نهادهای قانونی که منجر به سلب آزادی متهم می‌شود، حبس است که گاه به آن بازداشت پلیسی می‌گویند. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۰۷). در حال حاضر محدودیت دسترسی متهم به وکیل مدافع از مرحله نظارت به مرحله تحقیقات مقدماتی وجود دارد و جرایم مشمول این محدودیت جرایم امنیتی و جرایم سازمان یافته هستند. عبارت «در مرحله تحقیقات مقدماتی» در تبصره مورد بحث نمی‌توان چنین استنباط کرد که هیچ محدودیتی برای دسترسی به وکیل در مرحله بررسی وجود ندارد، زیرا این مرحله در مقایسه با دادرسی دادگاه، با اندکی اغماض، بخشی از تحقیقات اولیه محسوب می‌شود. شرط مذکور صرفاً محدودیت‌های مربوط به حضور وکیل در دادگاه را شامل می‌شود. محدودیت در دخالت مؤثر وکیل متهم در تحقیقات اولیه تنها در چارچوب جرایم سازمان یافته و جرایم مرتبط با امنیت داخلی یا خارجی کشور قابل اعمال است. این رویکرد را می‌توان به عنوان بخشی از سیاستهای سختگیرانه علیه جرایم خاص و مجرمان خطرناک، مطابق با رویکردهای جدید جرم‌شناسی و مدیریت ریسک تفسیر کرد. (فرهودی نیا و موسی زاده، ۱۳۹۲: ۴۵۹) تبصره ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با رویکرد امنیت محور به حق حضور وکیل نگاه کرده است. در واقع حقوق و آزادی‌های فردی، به بهانه تأمین نظم و امنیت محدود می‌شود؛ زیرا انتخاب وکیل به انتصابی بودن وکیل، تغییر کرده، همچنین این تبصره می‌تواند برخلاف حقوق متهم باشد، به این دلیل که محروم کردن وکلا از حضور در این

پرونده‌ها و محروم کردن موکلان از وکلای موردنظرشان، مخالف قانون اساسی است؛ زیرا در اصل (۳۵) قانون اساسی آمده است که متهمان باید در انتخاب وکیل مختار باشند. شایان ذکر است قانونگذار ضمانت اجرایی برای تضييع این حق توسط ضابطین در نظر نگرفته است. واقعیت این است که قانون‌گذار در کشور ما تاکنون تمایلی به بررسی و روشن‌سازی دلایلی که منجر به تضييع این حق می‌شود، نشان نداده است. این در شرایطی است که آثار زیان‌بار ناشی از نادیده گرفتن این حق و سایر حقوق دفاعی متهم، از لحاظ تأثیرگذاری بر صحت و اعتبار فرآیند کشف حقیقت، کمترین تفاوتی با مواردی مانند استفاده از شکنجه ندارد. چه بسا جلوگیری از حضور وکیل در هر یک از مراحل دادرسی بتواند سرنوشت متهم را به کلی دگرگون کند. (حیدری، ۱۳۹۳: ۴۱). نکته دیگر اینکه در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۱ مقرر شده است که وکیل می‌تواند در ابتدای دوره تحت نظر به مدت یک ساعت با فرد تحت نظر ملاقات کند. ولی این ماده دو محدودیت را در این مورد در نظر گرفته است:

اول: ضابطین دادگستری این حق را دارند که از حضور وکیل در برخی موارد که تحقیقات جنبه محرمانه دارند، جلوگیری به عمل آورند.^۱

دوم: در جرایم مهمی مانند جرایم سازمان یافته یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، وکیل حق ملاقات بدو با وکیل را ندارد و وکیل فقط یک ساعت مجاز است با موکل خود ملاقات کند. شکی نیست که پیش بینی چنین مواردی در واقع به معنای اولویت دادن به نظم عمومی و حفاظت از جامعه است. از سوی دیگر، انجام تحقیقات محرمانه مقدماتی و اقدام سریع برای حفظ دلایل وقوع جرم و پیشگیری از آثار زیان‌بار جرایم ارتكابی در جرایم سازمان یافته، محدودیت حضور وکلای متهم به جرایم امنیتی را در این مرحله توجیه می‌کند.

سوم: ممانعت از ملاقات شخص با وکیل مدافع در جرایم مذکور صرفاً بر اساس ماهیت آنها می‌تواند باشد و این پیشگیری بر اساس مقتضیات تحقیقات و شرایط و احوال هر مورد نیست. البته باید گفت که وجود این چنین محدودیتی در قانون مارالذکر جنبه الزامی دارد و از این حیث ضابطین ممکن است از مداخله و حضور شخص وکیل جلوگیری به عمل آورند؛ موضوعی که می‌تواند ناخوشایند و متضاد با اصول حقوق بشری دارد لذا در این خصوص نیازمند بازنگری در این خصوص است.

همچنین در ماده ۴۸ قانون مذکور به لزوم تبیین حق کمک وکیل متهم در بدو مرحله آزمایش اشاره ای نشده است؛ اما به نظر می‌رسد حق ملاقات با وکیل باید در بدو امر برای شخص تحت نظارت روشن شود، زیرا بر اساس ماده ۵۲ این قانون، ضابطان دادگستری در هنگام تحت نظر قرار دادن متهم، مکلف به «تفهیم حقوق وی» هستند. در مورد شخص مشمول نظارت و تفهیم نظر به متهم و ارائه آن به صورت کتبی و دریافت فیش و الصاق آن به پرونده و در اجرای ماده ۶۱ مقرر در این قانون، ضابطان همانند بازپرس (ماده ۱۹۰)، باید در ابتدای تحت نظارت، حق درخواست بهره مندی از وکیل را برای شخص توضیح دهند تا ضابطان دادگستری با حکم انفصال موقت از خدمت موضوع ماده ۶۳ این قانون مواجه نشوند، اما با توجه به تبصره ماده ۱۹۰ این قانون میتوان، این مسئله را می‌توان از جمله مواردی دانست که به حقوق دفاعی متهم لطمه وارد می‌کند (ساقیان، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

۱. گفتنی است در مواردی که ضابطان تشخیص دهند ملاقات با وکیل با محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات در تعارض است باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

۴-۲. عدم استقلال کامل بازپرس نسبت به دادستان

بر اساس اصل استقلال مقامات قضایی، دادستان مرجع تعقیب و بازپرس مرجع تحقیق است. طرفین دعوای عمومی حق دارند اقدامات و تصمیمات بازپرس را غیرقانونی دانسته و نسبت به آن اعتراض کنند، همان‌طور که هر طرف دیگری در دادگاه می‌تواند اعتراض نماید. باین‌حال، در تمامی موارد ضروری است که بازپرس به‌عنوان یک قاضی بی‌طرف و کاملاً مستقل از دادگاه عمل کند؛ اما قانونگذار ما این اصل را زیر پا گذاشته و متهم حقوقش تحدید می‌شود چراکه که بر اساس ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مدعی العموم حق نظارت و آموزش‌های لازم را در امور ارجاعی به بازپرس دارد و این با استقلال بازپرس در رسیدن به حقیقت منافات دارد. (اشرافی، ۱۳۹۸: ۳۹-۴۰).

۴-۴. موضوعیت داشتن اقرار در برخی جرایم

یکی دیگر از محدودیت‌های حقوق متهم را می‌توان حق برخورداری از حق سکوت دانست. در نظام قضایی کشور ما، اقرار در جرائم پذیرفته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ به این موضوع پرداخته است. ماده ۰ ماده ۱۶۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تصریح میکند که ادله‌ای مانند اقرار و شهادت موضوعیت دارند و قاضی بر اساس آن رأی صادر می‌کند، مگر این‌که علم بر خلاف آن وجود داشته باشد. همچنین، ماده ۱۶۲ مقرر می‌دارد که اگر این نوع ادله فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشند، همچنان می‌توانند به‌عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرند، مشروط بر این‌که همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شوند. قانون در این موارد بر موضوعیت برخی ادله اثبات شرعی مانند اقرار و شهادت تأکید کرده است. همچنین صدر ماده ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز این موضوع را به‌وضوح تأیید می‌کند و بیان می‌دارد که هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار کند، اقرار او معتبر است و نوبت به سایر ادله نمی‌رسد. وزن و تأثیر این دلیل به حدی است که حتی بازجویان، پس از انکار متهم از اقرار اولیه و وجود قرائن و اماراتی که غیرواقعی بودن پذیرش اتهام را اثبات می‌کند، تحقیقات را همچنان با ذهنیت گناهکار بودن متهم دنبال می‌کنند. این باور ریشه در این ذهنیت دارد که فرد بی‌گناه هیچ‌گاه به انجام جرمی اعتراف نمی‌کند (فرجی‌ها و غلامو، ۱۳۹۵: ۲). مجدداً باید یادآور شد که در اغلب جرایم کیفری، یک مرتبه اقرار برای اثبات جرم کفایت می‌کند، اما در جرایمی که مجازات آن‌ها جنبه حدی دارد، تعداد اقرارهای مورد نیاز برای اثبات جرم متفاوت است. به‌طور کلی، قانون‌گذار برای اقرار متهم اهمیت قائل شده و آن را برای اثبات جرم کافی می‌داند. همین رویکرد باعث می‌شود که بازجویان پیش از هر اقدامی تلاش کنند اقرار متهم را دریافت کنند، بی‌آنکه به این موضوع توجه داشته باشند که چنین کاری ممکن است حقوق متهم، از جمله حق سکوت او را، نقض کند.

۴-۵. عدم لزوم ضبط صوتی و تصویری در بازجویی‌ها

بازجویی به‌عنوان یکی از مراحل تحقیقات مقدماتی و از مهم‌ترین اقدامات نیروی انتظامی یا بازپرس به‌شمار می‌آید، چرا که تمامی دلایل پرونده و تلاش‌های صورت گرفته در جهت کشف جرم در اختیار بازجو قرار می‌گیرد تا او با بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها بتواند سؤالات مطلوب را از مجرم بالقوه یا مظنون و متهم به عمل آورد و با تحصیل اقرار به کشف حقیقت نائل آید. (نجفی توانا و سعادت مهر، ۱۳۹۶: ۶۴)؛ بنابراین اعطای اختیارات گسترده به ضابطین دادگستری و آزادی عمل آن‌ها در انجام بازجویی از مظنون و متهم

در پشت درهای بسته، رؤیت ناپذیر بودن بسیاری از تصمیم‌ها و اقدامات آن‌ها در فرآیند بازجویی و هم‌زمان اعمال فشار برای افزایش به نتیجه رساندن پرونده، این نهاد را در معرض خطر سوءاستفاده از قدرت و نقض حق سکوت مظنون و متهم قرار می‌دهد. (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۶: ۱۶۰) با این حال، مقرر ی خاصی در سیستم حقوقی ایران در مورد ثبت صوتی و تصویری مراحل بازجویی وجود ندارد، تنها در مورد ثبت اظهارات متهم در بند ۱۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای تضمین حق سکوت متهم مطالبی بیان شده است؛ و طبق ماده ۴۰۰ و تبصره ۱ ماده ۳۵۳ تحت شرایط قانونی ضبط صوتی و تصویری در جلسات دادگاه امکان‌پذیر می‌باشد. عدم پیش‌بینی این امر در مراحل بازجویی می‌تواند راه هرگونه تعرض به حقوق متهم را باز گذاشته و چنان‌که در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که ضابطین در ساعاتی اقدام به بازجویی می‌کنند که متهم توان بیدار ماندن را ندارد و یا گاهی حتی موارد ثبت و ضبط اظهارات به‌طور ناقص انجام می‌شود، یا تاریخ بازجویی را به‌صورت صوری قید می‌کنند و یا برگه‌های بازجویی توسط ضابطین تکمیل و سپس به امضای متهم می‌رسد. (موسوی و قاسمی، ۱۳۹۹: ۲۴۷) بنابراین جهت جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی از موارد مذکور و ضمن دقت در نحوه برخورد با متهمین و مانع شکنجه شدن احتمالی آن‌ها، لزوم قانون‌گذاری و پیش‌بینی در مورد ضبط صوتی و تصویری در بازجویی‌ها ضروری می‌باشد.

۴-۶. تعیین اصل تساوی سلاح‌ها

در محاکمات جنایی که مقام تعقیب مورد حمایت همه سازمان‌های دولتی است، اصل برابری وسیله و همراه اساسی حق دفاع از خود است. اصل تساوی وسایل و امکانات تضمین می‌کند که متهم فرصت معقولی برای تنظیم و طرح دعوی در شرایط مساوی با مدعی العموم داشته باشد. (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۱۴۰) اصل دفاع مساوی، برابری دادستان و متهم، مهم‌ترین معیار برای تضمین دادرسی عادلانه است. مثلاً اگر دادستان در جلسه تجدیدنظر حضور داشته باشد اما از حضور متهم جلوگیری شود یا کارشناس دادگاه چنان موضع محکمی بگیرد که عملاً نقش شاهد دادستان را ایفا کند، این اصل نقض شده است. به این دلایل، این اصل را اصل وسایل دفاعی برابر مینامند. این اصل سیستم قضایی را موظف می‌کند که وضعیت برابر را برای طرفین فراهم کند؛ اما دو برداشت متفاوت از برابری بین دو طرف وجود دارد. اولین برداشتی که دادگاه اروپایی حقوق بشر در طول سالیان متمادی برجای گذاشته این است که متهم نباید در مقایسه با دادستان در مضیقه قرار گیرد. از این نظر، این اصل فقط در مورد متهم جاری است؛ به عبارت دیگر، معاهدات حقوق بشر به دادستان این حق را نمی‌دهد که در کنار متهم باشد. از سوی دیگر، معاهدات حقوق بشر، قرار دادن متهم را در موقعیت مطلوب تری نسبت به دادستان منع نمی‌کند. (فضائلی، ۱۳۹۴: ۳۲۷).

۴-۷. تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام واحد

بر اساس ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده (۳۰۲) بر اساس ماده مارالذکر، در شرایطی که با کمبود بازپرس مواجه باشیم، دادستان می‌تواند تمام وظایف و اختیارات تعریف‌شده برای بازپرس را بر عهده بگیرد. در چنین شرایطی، چنانچه دادستان وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار محول نماید، دادیار موظف است قرارهای نهایی صادرشده، از جمله قرار تأمین منجر به بازداشت متهم را در همان روز به دادستان ارائه دهد. (قرار نهایی، تصمیم قضایی است که توسط مقامات صالح دادرسی و یا دادگاه و اغلب در طول تحقیقات مقدماتی و باهدف

آماده سازی پرونده برای ارسال به دادگاه و یا متوقف نمودن دائمی یا موقت تعقیب کیفری با لحاظ فرض برائت متهم اتخاذ میگردد و حسب مورد و اغلب قابل اعتراض از سوی مقام تعقیب و یا اصحاب دعوی نزد دادگاه صالح است (امیری، ۱۴۰۴: ۱۶۶).

دادستان نیز باید حداکثر تا بیست و چهار ساعت نظر خود را در این رابطه اعلام کند. تنها پیشرفتی که می توان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره کرد، محدود کردن اختیار انجام تحقیقات توسط مدعی العموم در صورت «فقدان بازپرس» است. این تغییر، آیین دادرسی کیفری ایران را تا حدی با اصل تفکیک وظایف تعقیب از تحقیقات هماهنگ کرده است. با این حال، نقض این اصل همچنان در قانون به چشم می خورد و نمی توان ادعا کرد که تفکیک کامل میان دادرسی و مقام تحقیق به طور قطعی پذیرفته شده است. در حوزه رویه قضایی نیز مشاهده می شود که مدعی العموم حتی در شهرهای بزرگ، با توجیه نبود بازپرس یا دادیار، خود را در جایگاه افسر بازپرس قرار داده و عملاً مرزهای میان دادرسی و تحقیقات را کم رنگ یا به کلی نادیده می گیرند. (اشرفی، ۱۳۹۸: ۳۸-۳۹).

۴-۸. تحدید حق آگاهی متهم از حقوق قانونی خود

در متن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب، ۱۳۹۲ تفهیم تمامی حقوق متهم، مورد تصریح قرار نگرفته و در مواد فوق الذکر به صورت گزینشی به تفهیم حقوق متهمان، فقط در زمان تحت نظر بودن از سوی ضابطان اشاره شده است؛ هرچند برای ملزم نمودن مقامات رسمی و ضابطان دادگستری در ایران برای تفهیم تمامی حقوق متهمان به آنان، استناد به اطلاق ماده ۶ قانون پیش گفته کافی است. (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

قانون تفهیم برخی از حقوق متهم را مورد تصریح قرار داده است. از جمله ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره وظایف مقامات قضایی مقرر نموده است که حق داشتن وکیل، باید پیش از شروع به تحقیق توسط مقام تعقیب به متهم تفهیم و ابلاغ شود و در این راستا مکلف به اخذ رسید کتبی از متهم اند و یا وفق ماده ۱۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «قاضی مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند». ظاهراً تکلیف ضابطان به تفهیم حقوق قانونی به متهم بر اساس ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مخصوص افرادی است که در جرایم مشهود، تحت نظر قرار می گیرند. به این صورت می توان استدلال کرد که اگر متهمان جرائم مشهود تحت نظر قرار نگیرند، تفهیم حقوق آنان مطابق با ماده ۵۲ مذکور الزامی نخواهد بود و ضرورتی در این خصوص وجود ندارد. دلیل این امر آن است که ماده ۵۲ تصریح دارد: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق قانونی شخص تحت نظر را به او تفهیم کنند.» در موارد دیگر، یعنی جرائمی که شرایط تعریف جرم مشهود را ندارند، ضابطان دادگستری اجازه تحت نظر قرار دادن متهم را ندارند. در چنین مواردی، ضابطان باید بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم، موضوع را به دادستان گزارش دهند تا دادستان پس از بررسی اولیه، دستور ادامه تحقیقات یا اتخاذ تصمیم قضایی مناسب را صادر کند؛ بنابراین، همان گونه که در رویه مشاهده می شود، در جرایم غیرمشهود ممکن است تحقیقات و بازجویی های اولیه از سوی ضابطان دادگستری انجام شود. در چنین مواردی، تفهیم حقوق متهم تحت شمول ماده ۵۲ قانون جدید قرار نمی گیرد و این احتمال وجود دارد که تصور شود در این شرایط، تفهیم حقوق متهمان فاقد پشتوانه قانونی است. قانون آیین

دادرسی کیفری مصوب 1392 در مورد جرایم غیرمشهود دو وضعیت را از یکدیگر تفکیک کرده است. نخست، حالتی که اقدامات ضابطان بدون صدور دستور جلب متهم و بدون دستگیری وی صورت می‌گیرد؛ در این حالت، هیچ مستند قانونی برای الزام به تفهیم حقوق متهم وجود ندارد. دوم، حالتی که اقدامات ضابطان همراه با دستور جلب و بازداشت متهم انجام می‌پذیرد؛ در این شرایط، طبق تبصره ماده ۱۸۵ همان قانون، برای فرد دستگیرشده رعایت ماده ۵۲ الزامی است و بدین ترتیب، تفهیم حقوق متهم از سوی ضابطان دادگستری ضرورت پیدا می‌کند. (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۳) شایان ذکر است هرچند رعایت منشور حقوق شهروندی ابلاغی از سوی رییس جمهور در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۹ جنبه الزام آوری برای نهادهای قضایی ندارد، لکن ماده ۶۳ آن منشور در خصوص حق آگاهی متهم از حقوق قانونی مستنداً به مواد قانونی پیش گفته اعلام نموده: «حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل، آگاهی داشته باشند...».

۱-۵. تحدید حقوق دفاعی متهم در مرحله دادرسی

۱-۱-۵. شتاب‌دهی در فرآیند دادرسی

دقت و کیفیت در فرآیند دادرسی از اهمیت خاصی برخوردار است ولی در کنار آن، اصل رسیدگی به اتهام در مدت‌زمان معقول، خود یکی از مصادیق دقیق اجرای اصل برائت می‌باشد؛ زیرا منطقی و مناسب به نظر می‌رسد که بی‌گناهی یا محکومیت متهم به سرعت مشخص شود (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۶: ۱۲۲). رعایت مهلت معقول در سرتاسر فرآیند رسیدگی کیفری یکی از بنیادی‌ترین حقوق دفاعی متهمان است و بر ضرورت تسریع معقول در فرآیند دادرسی در معیت دقت حداکثری تأکید می‌کند که لازمه تحقق دادرسی عادلانه و غایت مطلوب محاکمات کیفری است. اجرای عدالت در مدت معقول از اصول اساسی دادرسی کیفری محسوب می‌شود (وطنی و نرگسیان، ۱۳۹۷: ۲۶۳) و در اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز بر لزوم رعایت آن تأکید شده است. در یک دادرسی مطلوب در کنار حق بر محاکمه در مدت‌زمان متعارف، از اصل تناظر نیز به‌عنوان یکی از اصول راهبردی حاکم بر دادرسی بهره گرفته می‌شود که ایجاب می‌کند طرفین پرونده اعم از شاکی، بزه دیده، متهم و حتی دادستان بتوانند تمام تمهیدات لازم برای تدارک دفاع از خود یا اثبات دعوا را ارائه نمایند. هرچند بررسی این ادله نیاز به صرف وقت توسط قضات و استدلال حقوقی دارد و صدور آراء را به تأخیر می‌اندازد، اما زمینه اتقان احکام را فراهم می‌نماید. به‌عنوان مثال یکی از خصایص مهم محاکم ویژه اقتصادی در ایران که تحت تأثیر رویکرد امنیت مدار مورد توجه واقع گردیده سرعت بخشی به تشریفات دادرسی و الزام کارگزاران عدالت کیفری در شتاب‌دهی به فرآیند دادرسی می‌باشد. با توجه بر اهمیت خاص جرایم اقتصادی کلان و پیامدهای سوء این معضل بر امنیت اقتصادی کشور حفظ جنبه بازاریابی و ارباب آور و سزاگرایی حقوق کیفری و پیشگیری کیفری از ارتکاب جرم توسط بزهکاران احتمالی و جلب اعتماد مردم به دستگاه قضایی و رهایی از فشار افکار عمومی و رسانه‌ها، رسیدگی با شتاب به جرایم اقتصادی توجیه می‌شود، چرا که اطلاع دادرسی اثربخشی احکام دادگاه‌های ویژه اقتصادی را کاهش می‌دهد. از طرفی دیگر شتاب‌زدگی در غالب موارد منجر به تحدید حقوق دفاعی بزهکاران و کاهش کیفیت دادرسی و اثربخشی بهتر احکام صادره می‌گردد. افزایش بیش‌ازحد در توجه به نتیجه

گرایی موجب نابسامانی در آراء محاکم ویژه اقتصادی گردیده است؛ بنابراین، موضوع کیفیت دادرسی جرایم نباید فدای سرعت و شتابزدگی غیرمعمول در فرآیند رسیدگی شود و مراجع رسیدگی کننده را از اصل احقاق حق و اجرای عدالت قضایی دور نماید.

۵-۱-۲. سلب حق اعتراض

از جلوه‌های مهم دیگر آیین دادرسی کیفری در قبال برخی بزهکاران در نظام عدالت کیفری سلب حق اعتراض (تجدیدنظر- فرجام) از احکام محکومیت می‌باشد. در مورد حق بر تجدیدنظرخواهی دو دیدگاه کلی وجود دارد. برخی آن را مغایر با اصل قطعی بودن احکام تلقی کرده و در مقابل بسیاری از حقوقدانان به لحاظ امکان وقوع اشتباه در قضات و دادرسان، وجود این حق را امری لازم و ضروری تلقی کرده‌اند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۰). در حال حاضر در اکثر نظام‌های حقوقی، حق بر تجدیدنظرخواهی و دو درجه‌ای بودن رسیدگی‌ها از حقوق بنیادین بشری و از جلوه‌های برقراری دادرسی منصفانه به شمار می‌رود. قانون‌گذار با درک اهمیت این حق در فرآیند دادرسی، در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، صرفاً در جرایم مستوجب مجازات درجه هفت و هشت یا دیه و ارش کمتر از یک‌دهم دیه کامل، اصل دودرجه‌ای بودن رسیدگی‌های کیفری را نپذیرفته ولی در سایر موارد این حق بنیادین را موردپذیرش قرار داده است. لیکن سلب حق اعتراض از محکومین جرایم اقتصادی به موجب آیین دادرسی کیفری آیین‌نامه محور که غالباً شامل محکومیت‌های سنگین مانند حبس‌های طولی‌المدت، مصادره اموال، جزای نقدی و... می‌شود، مبتنی بر رویکردهای سخت‌گیرانه در راستای اصل فوریت در دادرسی، حتمیت و قطعیت در اجرای سریع احکام و برخورد قاطع با مرتکبان این جرایم توجیه می‌گردد. ولی نادیده گرفتن حق اعتراض از محکومان جرایم اقتصادی در مغایرت صریح با اصل برائت نیز می‌باشد، هرچند برخی از حقوقدانان، دامنه اصل فوق بر سه مرحله تحقیقات مقدماتی نزد ضابطین، دادرسی و رسیدگی در دادگاه بدوی می‌دانند (آشوری، ۱۳۹۶: ۴۳). به نظر، یکی از آثار مهم تجدیدنظرخواهی، اثر تعلیقی آن می‌باشد که به موجب این اثر، تصمیم بدوی تا تعیین تکلیف قطعی موضوع در دادگاه بالاتر یا قبل از انقضای موعد تجدیدنظر به مرحله اجرا در نمی‌آید و در حقیقت این مرحله ادامه فرآیند عدالت کیفری محسوب می‌شود و شامل حقوق مربوط به عادلانه و منصفانه مانند حق بر دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف، رعایت آیین قانونی، محاکمه سریع، علنی و با برابری سلاح‌ها و داشتن وکیل است (فضائلی، ۱۳۹۴: ۴۵۷). حق دفاع متهم تا زمان قطعیت حکم محکومیت صادره ادامه دارد، چون هر آن، ممکن است که پس از اعتراض به رأی نخستین محکومیت صادره نقض و برائت حاصل شود (مؤذن زادگان و بیات، ۱۳۹۹: ۶۴).

۵-۱-۳. تحدید حق بهره‌مندی متهم از تسهیلات لازم برای دفاع

مطابق ماده ۴۶۸ «رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور بدون احضار طرفین یا وکلای آنان صورت می‌گیرد. مگر آنکه شعبه رسیدگی کننده حضور آن‌ها را لازم بداند». پس اصل بر عدم احضار طرفین است؛ مگر اینکه حضور آنها به حکم شعبه رسیدگی کننده الزامی باشد. یکی از عناصر ضروری یک دادرسی عادلانه، در نظر گرفتن اصل وسایل دفاع مساوی است. اصل تساوی وسایل دفاع با اصل احترام به حقوق دفاع مشترک است. در واقع، عدم رعایت حق دفاع می‌تواند نقض برابری سلاح‌ها باشد. برخی از تصمیمات صادر شده توسط محاکم حقوق بشری هم چون حق حضور متهم در جلسات رسیدگی، داشتن وقت مناسب جهت دفاع در حضور یا بدون حضور مدافع، وکیل، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه اصل تساوی سلاح‌ها را تقویت می‌کند و زمینه دفاع

از حقوق خود را تأیید می کند. (ساقیان: ۱۳۸۵: ۸۵) درحالی که مطابق ماده ۴۲۷ اصل بر غیرقطعی بودن آرا است و همچنان باید شمول فرض بی گناهی را برای متهم در نظر بگیریم، در فرجام خواهی متهم مگر به اجازه شعبه رسیدگی کننده، حق حضور در جلسه را ندارد؛ و این در صورتی است که در قسمت دیگر دعوای کیفری شخص دادستان قرار دارد و می بایست در جلسه رسیدگی حاضر باشند چراکه بر اساس ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ارتباط با نحوه برگزاری جلسه شعبه، عبارتی در ارتباط با حضور شخص دادستان وجود دارد که از آن واجب بودن حضور شخص دادستان یا نماینده ی وی قابل برداشت است؛ بنابراین نسبت به حضور دادستان یا نماینده ی او در جلسات رسیدگی دیوان عالی کشور چنین الزامی وجود دارد، اما نسبت به حضور متهم چنین چنین چیزی موضوعیت ندارد و حضور متهم یا وکیل ایشان در جلسه رسیدگی منوط به تشخیص شعبه رسیدگی کننده است. (مؤذن زادگان و بیات، ۱۳۹۶: ۷۵). این حقوق از متهم می تواند منجر به منصفانه نبودن دادرسی و زمینه ساز تضییع حقوق دفاعی متهم گردد.

۵-۱-۵. عدم پیش بینی ارفاقات دادرسی در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی

طبق بند (۳) ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی بدون توجه به نوع مجازات در دادگاه کیفری صورت می گیرد. از سوی دیگر، برخی از عناوین رایج کیفری که در قانون جرایم سیاسی به عنوان جرایم سیاسی تعریف شده اند این جرایم همچنین در حیطه صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار دارند. یکی از خصوصیات مهم رسیدگی به چنین جرایمی، وجود هیئت منصفه و برگزاری جلسات به شکل علنی است. بر اساس ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «به جرایم سیاسی و مطبوعاتی موضوع ماده (۳۵۲) این قانون در دادگاه کیفری مرکز استان محل وقوع جرم به صورت علنی و با حضور هیات منصفه رسیدگی می شود.» تبصره ۲ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری احکام محکومیت، براءت، قرار منع و موقوفی تعقیب، تعویق و تعویق مجازات را قابل تجدیدنظر می داند؛ بنابراین، علاوه بر حکم مجرمیت، سایر احکام دادگاههای مرتبط با جرایم مطبوعاتی نیز قابل بررسی است. در قسمت آخر تبصره ۳ ماده ۴۳ قانون مطبوعات آمده است: «حضور هیأت منصفه در رسیدگی در مرحله تجدیدنظر الزامی نیست.» باتوجه به اینکه قانون گذار در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حضور هیأت منصفه را در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی ضروری دانسته است، محدودیت حضور آنها در مرحله بدوی ممکن است مورد انتقاد قرار گیرد. این موضوع از آن جهت قابل بررسی است که با اصول آیین دادرسی عادلانه و تعهدات بین المللی همچون بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هماهنگی کامل ندارد زیرا مرحله تجدیدنظر بیشتر جنبه پژوهشی و بازنگری دارد. به همین دلیل، از یک سو در مواردی که امکان درخواست تجدیدنظر برای محکومیت های مربوط به جرایم مطبوعاتی وجود دارد و از سوی دیگر با توجه به اینکه اصل بر این است که بررسی در مرحله دوم، ماهیت تحقیقی دارد، این موضوع اهمیت پیدا می کند؛ و حضور هیئت منصفه ضروری خواهد بود. در این مرحله نیز. البته عملکرد قانونگذار در قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۴۳ اصلاحی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ را می توان ناشی از ساختارهای رویه ای موجود در آن زمان دانست؛ اما این نقص ساختاری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز وجود دارد. با توجه به این که حق تجدیدنظر خواهی در مورد جرایم فوق الذکر به صورت کلی سلب نشده، تنها راهی که برای اعتراض به ارای صادره در این موارد وجود دارد،

شکایت از طریق دیوان عالی کشور است. این در صورتی است که سیستم های قضایی کشورها معمولاً در برخورد با جرایم سیاسی و مطبوعاتی با شیوه برخورد با مجرمان سایر جرایم متفاوت است. (پیوندی: ۱۳۸۸: ۲۴۷).

۲-۵. تحدید حقوق دفاعی متهم در عدم تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه کیفری یک

مطابق بند (ث) ماده (۴۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات های حدود، قصاص و جرائم غیر عمدی و ... دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می کند. طرفین می توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست. همانطور که در بند فوق مشاهده می شود، تشکیل جلسه رسیدگی در مرحله تجدیدنظر در خصوص آرای غیر قطعی صادره از دادگاه کیفری در مواردی از وظایف دادگاه تجدیدنظر بیان شده است. همچنین، حضور متهم در مرحله دوم دادرسی زمینه ساز بهره مندی او از تخفیف مجازات در این مرحله خواهد بود. در حالی که طبق آرای تجدیدنظر، تعیین حق تخفیف خواننده مستلزم ورود دادگاه به ماهیت دعوا است و از آنجایی که دادگاه در ماهیت دعوا دخالتی ندارد، بهره مندی از این امتیاز ممکن نیست. گرچه با در نظر گرفتن رأی وحدت رویه شماره ۱۷۵۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که تسری حکم ماده ۴۴۲ بر فرجام خواهی را تأیید می کند، با توجه به رویکرد مبتنی بر تساهل در رویه قضایی نسبت به متهم و اصل تفسیر موارد مبهم، اجمالی و سکوت قانون به نفع او، می توان نتیجه گرفت که که شعبه دیوان نیز در مرحله فرجام خواهی این اختیار را دارد که در صورت احراز استحقاق متهم برای تخفیف مجازات، حکم مربوطه را کاهش دهد. با این حال، باید توجه داشت که اولاً از منظر ساختاری، دیوان عالی کشور امکان ورود به بررسی ماهیتی پرونده توسط شعب رسیدگی کننده را فراهم نمی کند و ثانیاً رویه خاصی مانند ماده ۴۴۲ در این خصوص به وجود نیامده، علی القاعده بهره مندی از این امتیاز برای متهم در فرجام خواهی منتفی است.

۳-۵. فقدان تخصص و تخصص گرایی

از پیامدهای مهم دیگر اتخاذ رویکرد امنیت گرا در آیین دادرسی کیفری در برخی جرایم مثل جرایم اقتصادی، عدم تخصص در کنشگران رسمی عدالت کیفری می باشد که در عمل موجب کاهش کیفیت دادرسی می گردد. تخصص گرایی در رسیدگی به جرایم و پاسخ دهی به پدیده های مجرمانه از جلوه های حقوق کیفری مدرن بوده و توجه به مهارت و دانش در زمینه های خاص واجد اهمیت می باشد (لکی، ۱۳۹۸: ۸۰۰)؛ بنابراین، تخصص گرایی یکی از مهمترین راهبردها در دادرسی کیفری جرایم اقتصادی محسوب می شود. یکی از جلوه های تخصصی سازی، افتراقی کردن مراجع قضایی و پیش بینی نهادهای ویژه و سیاست گذاری های متمایز با قواعد متعارف رسیدگی به جرایم است (باباخانی، رستمی، ۱۴۰۱: ۳۶) که علاوه بر رفع اطلاع دادرسی موجب اتقان احکام دادگاه های تخصصی می گردد. این محاکم اغلب از طریق بکارگیری روش های ساده و با رسیدگی و اتخاذ تصمیمات مناسب و متناسب و سریع در مسائلی که در دادرسی دارای پیچیدگی هستند کارآمدی قابل قبول تری دارند. به عنوان مثال، در کشور فرانسه از زمان

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «با توجه به تأکید مقنن بر تمام محکومیت های تعزیری در صدر ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری از یک سو و ارفاقی بودن این ماده و اینکه در صورت تردید در شمول حکم، طبق اصل تفسیر قانون به نفع محکوم علیه شمول حکم ماده ۴۴۲ قانون مذکور نسبت به محکومیت های تعزیری قابل فرجام، با موازین قانونی و اصول کلی دادرسی سازگارتر است.»

تصویب قانون اوت، ۱۹۷۵ در قلمرو صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان یک دادگاه استان تاسیس شده است که به صورت اختصاصی برای تحقیق و صدور حکم در مورد جرایم اقتصادی و مالی صلاحیت رسیدگی دارد و پرونده های ارجاعی به این دادگاه بسیار پیچیده و تخصصی می باشند و برای صدور حکم به آموزش های تخصصی نیاز دارند (خدائیان چگینی، ۱۳۹۱ : ۱۷۵) رویکرد امنیت گرا در آیین دادرسی کیفری ایران در حوزه بزهکاری اقتصادی، بر ملاحظات علمی پیشی گرفته و این رویکرد ابعاد مبارزه کیفری را تحت تاثیر خود قرار داده است (غلامی و همکاران: ۱۳۹۸ : ۲۰). احکام صادره از دادگاه های ویژه اقتصادی نشان می دهند که تخصص گرایی در فرآیند دادرسی جرایم اقتصادی یکی از حلقه های مفقوده در مبارزه با بزهکاری اقتصادی محسوب می شود. البته بسیاری از این ایرادات در نظام حقوقی کشور به خلاءهای تقنینی در حوزه دادرسی جرایم اقتصادی باز می گردد. در حال حاضر علیرغم تمامی تلاش های به عمل آمده عملکرد محاکم ویژه اقتصادی در مبارزه با بزهکاران اقتصادی چندان رضایت بخش نیست و حکایت از عدم توجه کافی متولیان نظام عدالت کیفری به اصل تخصصی سازی آیین دادرسی کیفری در این حوزه داشته و در عمل موجب بروز چالش ها و نابسامانی های متعدد در رسیدگی کیفری به جرایم اقتصادی گردیده است.

۵. نتیجه گیری

حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری، در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص، به ویژه حق حیات و آزادی ایشان است.

عدالت کیفری، فرض برائت متهم، اصل تساوی سلاح ها، حضور وکیل مدافع در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی، آموزه های جرم شناسی، جزء مهم ترین مبانی عدم تحدید حقوق دفاعی متهم در دادرسی کیفری ایران، اسناد بین المللی و حقوق بشر قلمداد می شوند.

حقوق دفاعی متهم علی رغم تحولاتی که قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ داشته با محدودیت های مثل: ۱. تبصره ماده ۴۸ اصلاحی ۱۳۹۴ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ (تبعیض در انتخاب وکیل)، ۲. عدم رسیدگی ماهوی در مرحله فرجام خواهی ۳. عدم بهره مندی متهم از تسهیلات لازم برای دفاع و خدشه دار شدن اصل برابری سلاح ها در رسیدگی فرجامی ۴. عدم امکان احضار شهود و درخواست متهم برای تحقیقات محلی و معاینه محل در مرحله فرجام خواهی ۵. عدم پیش بینی ارفاقات دادرسی در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی و ... مواجه است.

آیین دادرسی کیفری، در سالیان اخیر، با لحاظ نمودن حقوق کیفری دشمن مدار رویکرد امنیتی به خود گرفته است. اتخاذ رویکرد امنیت گرا در آیین دادرسی کیفری پیامدهای متعددی از قبیل عدم انسجام در نظام دادرسی، نادیده گرفتن موازین حاکم بر دادرسی منصفانه، تحدید حق دفاع متهمان و فقدان تخصص گرایی در کنشگران رسمی عدالت کیفری را به دنبال داشته است.

پیشنهاد برخی راهکارها برای برون رفت از تحدید حقوق دفاعی متهم و پیامدهای رویکرد امنیت گرا تا حدودی می تواند رهگشا باشد، از جمله:

تصویب قانونی به روز و منطبق با نیازهای کشور از ضروریات می باشد و می طلبد که صاحب نظران علوم جنایی اقدام به آسیب شناسی سیاست های کیفری اعمال شده بپردازند و حاصل این مطالعات و راهکارهای به دست آمده در اختیار سیاست گذاران تقنینی و قضایی

قرار گیرد تا با استفاده از یافته‌های علمی، ضمن هماهنگی با یکدیگر، اقدام به تصویب قانونی همه‌جانبه نگر در زمینه آیین دادرسی کیفری ویژه جرایم اقتصادی کنند تا در نهایت رسیدگی کیفری به این جرایم در پهنه سیاست جنایی کشور مبتنی بر استانداردهای مورد قبول باشد.

در فرآیند دادرسی، بایسته‌های حاکم بر دادرسی منصفانه نسبت به متهمان مورد لحاظ قرار گیرد. از جمله حق دسترسی آزادانه به خدمات وکیل انتخابی فراهم شود و تمامی احکام صادره از دادگاه‌ها قابلیت تجدیدنظر و فرجام‌خواهی را داشته باشند. نظام کیفری ایران موید این نکته است که برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری دارای ابهام و نواقصی هست و راهبردهای ارائه‌شده توسط آن‌ها ناکافی می‌باشد که در برخی موارد درخور انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است، این امر می‌تواند موجب تعارض آرا و رویه‌ها و عدم رعایت دادرسی منصفانه تلقی شود. با توجه به نوپا بودن این حقوق در برخی موارد ابهام‌زدایی نشده است و برخی اصلاحات در قوانین و حقوق موضوعه لازم و ضروری می‌باشد.

پدیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Early Version | Not Copiedited

منابع و مأخذ

۱. منابع فارسی

الف) کتب

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). نگهداری تحت نظر، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت
- آشوری، محمد. (۱۳۹۶). عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش
- آشوری، محمد. (۱۳۹۹). کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش
- آقای جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه) با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران، تهران: نشر جنگل
- پیوندی، غلامرضا. (۱۳۸۸). جرم سیاسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- رنجبر، حسین. (۱۴۰۱). بایسته‌های بنیادین دادرسی منصفانه در مراحل آیین دادرسی کیفری، در حقوق کیفری پویا (مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی) به کوشش نسرين مهرا و امير حسن نیازپور، چاپ اول، تهران: نشر میزان
- فضائلی، مصطفی. (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران: انتشارات شهر دانش
- گلدینگ، مارتین پی. (۱۳۸۱). مفهوم حق از؛ درآمدی تاریخی. مترجم راسخ، محمد، تهران: انتشارات طرح نو
- لکی، زینب. (۱۳۹۸). مجتمع قضایی ویژه جرایم اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی به کوشش امیرحسین نیاز پور، چاپ دوم، تهران: نشر میزان
- برابری لاریمی، محمد و سید محمد تقی قبولی درافشان. (۱۳۸۲). مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۲

ب) مقالات

- امیری، میلاد. (۱۴۰۴). «فقد توافق میان دادستان و بازپرس در جهت صدور قرار منع تعقیب»، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۴
- doi: [10.22034/jclc.2025.2052958.1167](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2052958.1167)
- بابا خانی، عرفان، رستمی، هادی. (۱۴۰۱). «رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب، دوره ۹، شماره ۳۱
- پرویزی فرد، آیت‌الله. (۱۳۹۱). «دستگیری متهم بدون دستور قضائی بامطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، مجله حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۲
- توجهی، عبدالعلی و دهقانی، علی. (۱۳۹۲). «در جدال امنیت گرای و دادرسی منصفانه»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۳
- حیدری، الهام و محمدجواد فتحی. (۱۳۹۳). «گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، شیراز: مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم
- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۸۵). «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷
- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۹۳). «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱
- نجفی توانا، علی و سید محمد سعادت مهر. (۱۳۹۴). «بازجویی: شیوه‌ها و بایسته‌ها»، مجله کارآگاه، شماره ۲۳
- موسوی، علیرضا و مسعود قاسمی. (۱۳۹۹). «بررسی چالش‌های اخلاقی حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران»، مجله پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۴
- غلامی زرینی، محسن، غلامی، حسین. (۱۳۹۰). «حقوق شهروندی در فرایند عدالت کیفری ایران»، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۳
- فرجی‌ها، محمد و جمشید غلاملو. (۱۳۹۵). تحلیل فرایندهای تحصیل اقرار نادرست در مرحله تحقیقات پلیسی، پژوهش نامه حقوق کیفری، پلی کیپی
- فرح‌بخش، مجتبی. (۱۳۸۵). مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷
- فرودی نیا، حسن و موسی زاده، مهدی. (۱۳۹۲). «حقوق متهم در دوره تحقیقات مقدماتی در لایحه آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰»، در: دایره المعارف علوم جنائی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنائی)، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان
- فتحی، محمد جواد. (۱۳۹۷). جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا در پرتو اصول دادرسی منصفانه، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۴۷، شماره ۲
- مؤذن زادگان، حسنعلی و بیات، محسن. (۱۳۹۹). نقض حقوق دفاعی متهم در فقد تجدیدنظرخواهی پژوهشی از آراء دادگاه کیفری یک، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوقی قضایی، دوره ۲۵، شماره ۸۵

مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۳). نفعی آزادی عمل دادستان در نقض اصل برائت برای تعقیب جرائم امنیتی، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱،

شماره ۲: doi: [10.22034/jcl.2024.2048777.1135](https://doi.org/10.22034/jcl.2024.2048777.1135)

نورتون، ژوزف جی و شمس، هبا. (۱۳۸۲). قانون پولشویی و تأمین مالی تروریسم: واکنش های پس از ۱۱ سپتامبر برگردان محمد جواد میرفخرایی، مجله حقوقی شماره ۲۹
وطنی، امیر، نرگسیان، امیر. (۱۳۹۷). «اصل رسیدگی در مدت معقول در فرآیند کیفری»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی قضایی، دوره، ۲۴، شماره ۸۴

ج) پایان نامه-رساله

رجبی تاج امیر، ابراهیم. (۱۳۹۶). «سازوکارهای رعایت حق سکوت و دسترسی به وکیل در جریان بازجویی ضابطان دادگستری»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس
سلیمی، علی. (۱۴۰۰). تطبیق حقوق دفاعی متهم در پرتو حقوق شهروندی در ایران و اسناد بین الملل و اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی رضویه

۲. منابع عربی

ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۰۵ ه.ق). لسان العرب، جلد دوازدهم، قم: نشر ادب حوزه

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۹۵). مجمع البحرین، جلد ششم، طهران، مکتبه المرتضویه

۳. منابع لاتین

Bryan A(2004) Garner; Black's Law Dictionary; Thomson West

Gassin-raymond (2006) Considération sur Le but de la procédure pénale. in mélange en l'honneur de JeanPradel, Ed culjas, septembre

References

- 1.AghaeiJanat Mekan, Hossein, (2016) : Fair and impartial judicial procedures with emphasis on the code of Criminal procedures of Iran. Tehran, Gangal Publication. (in Persian)
- 2.Amiri,Milad. (2023) : Agreement between the procedures and the investigating judge on issuing a decision of Non-prosecution in the research quality. Journal of Criminal law and criminology research and development in two chapter. doi: [10.22034/jcl.2025.2052958.1167](https://doi.org/10.22034/jcl.2025.2052958.1167) (in Persian)
- 3.Ardebili,Mohammad Ali. (2013) : Detention under provision, criminal Sciences (Collection of Articles) – Tehran, Samt publication. (in Persian)
- 4.Ashuri, Mohammad. (2020). Justice in criminal matters :1st Edition- Tehran, Ganje Danesh library publication. (in Persian)
- 5.Ashuri,Mohammad. (2019). Criminal Justice –collection of articles: 1st Edition, Tehran, Ganje Danesh Library. (in Persian)
- 6.Babakhani,Erfan & Restemi, Hadi. (2021).Differential prosecution of Economic crimes in the law of Iran and France, Journal of Research in Islamic and Western law. Second Period, No. 31. (in Persian)
- 7.BarabariLarimi,Mohammad & ghabolli Dorafshan, Seyed Mohammad 9.Taghi. (2002).Islamic Jurisprudence and law studies. Second year, No. 2. (in Persian)
- 8.Bryan. (2004) Garner; Black's Law Dictionary; Thomson West
- 9.EbnManzur, MuḥammadibnMukarram. (1984). Lisan al-Arab, Vol. 12. Qom: Nashr Adab al-Ḥawzah. (in Arabic)
- 10.Farahbakhsh,Mojtaba. (2005).The concept and foundations of an accused's defense rights. Journal of justice law, Issues 56057. (in Persian)
- 11.Farajiha,Mohammad & Golamlo, Jamshid. (2015).Analysis of processes for obtaining false confessions during police investigations.Research journal of criminal law, photocopy. (in Persian)
- 12.Farhoudiniya,Hasan & Mehdi Mousazadeh. (2012). (The right of the accused during preliminary investigation period in the Bill of criminal procedure. (2010).In encyclopedia of criminal sciences Collection of articles on new developments in criminal science book 2,under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran, Nashr-e- Mizan. (in Persian)
- 13.Fathi,Mohammad Javad. (2017).Manifestations of differential adjudication for goods smuggling in light of fair trial principles.Journal of criminal law and criminology studies, University of Tehran,m Volume 47, Issue 2. (in Persian)
14. Fazael,Mostafa. (2014).Fair trial in international criminal trials, 3rd edition, Tehran shahr danesh publications. (in Persian)

15. Gassin-raymond. (2006). Considération sur Le but de la procédure pénale. in mélange en l'honneur de Jean Pradel, Ed culjas, septembre
16. Gholami, zarin, Mohsen & Gholami, Hossein. (2010). Citizenship rights in the criminal processes existing in Iran. Quarterly journal of police (law enforcement) science, volume 13, Issue 3. (in Persian)
17. Heydari, Elham & Fathhi, Mohammad Javad. (2013). The scope of the principle of freedom in Iran and England. Shiraz, Journal of Legal studies, Shiraz University, Vol. 6 No. 2. (in Persian)
18. Joseph, G, Norton. (2002). Money laundering and Terrorism financial law, post September 11th Translated by: Mohammad Javad Mir Fakhraei, legal journal, issue 29.
19. Lak, Zaynab. (2018). Special judicial complex for economic crimes. In encyclopedia of economic criminal sciences, edited by Amir Hossein niaz pour, Tehran, Nashr-e-Miizan. (in Persian)
20. Martin. P. Golding: (2001): A history of the concept of right. Translated by Mohammad Rasekh, Tehran, Tarhe-now- publication.
21. Moazan zadegan, Hasan Ali. (2021). Negation of the prosecutor's discretion in violating the presumption of innocence for prosecuting security crimes. Research and development. quarterly in criminal law and criminology. Volume 1, Issue 2 doi: [10.22034/jclc.2024.2048777.1135](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048777.1135) (in Persian)
22. Moazen zadegan, Hasan Ali & Mohsen Bayat. (2019). Violation of the accused's defense rights in the jurisprudence of research appeals from the verdicts of criminal court one. Scientific quarterly of judicial legal views. Volume 25, issue 85. (in Persian)
23. Mousavi, Ali Reza & Ghasemi, Masoud (2019). A review of the ethical challenges of the accused's right to remain silent in the Iranian legal system. Journal of ethical research, Issue 4.
24. Najafi Tavana, Ali & Saadat Mehr. Seyed Mohammad. (2015). Interrogation Methods and Requirements. Karagah Magazine, Issue 33. (in Persian)
25. Parvizi Fard, Ayettollah. (۲۰۱۱): Arresting of the accused without court order. A comparative study in the law of Iran and England. University of Tehran, Journal of law Vol 42, No. 2. (in Persian)
26. Peyvandi Fard, Gholamreza (2011): Political Crime, 2nd Edition, Tehran, Research institute for culture and thought publication.
27. Rajabi tajamir, Ebrahim: (2016): Mechanism for observing the right to remain silent and access to a lawyer during interrogation by judicial officers, Doctoral Thesis, Tarbiat Modares university. (in Persian)
28. Ranjbar, Hossian. (2021). Fundamental requirement of fair trial in the stages of criminal procedures in dynamic criminal law. (collected articles in honor of professor Dr. Mohammad Ali Ardebili). Edited by Nasrin Mehra and Amir Hossein Niyazpour. First Edition. Tehran, Mizan publication. (in Persian)
29. Salimi, Ali. (2020). The harmonization of the defendant's right of defense in light of citizenship in Iran International documents and Islamic jurisprudence. Master thesis, Razavi Higher education Institute. (in Persian)
30. Saqiyani, Mohammad Mehdi (2013) Development in the defendant's right to counsel during the custody stage in French and Iranian law. Quarterly journal of criminal law studies and criminology. volume 1, issue 1. (in Persian)
31. Saqiyani, Mohammad Mehdi (2013). The principle of equality of arms in the criminal process (with emphasis on French and Iranian laws). Judiciary legal journal- issues no. 56 and 57. (in Persian)
32. Tavajei, Abdolali & Ali Dehghani (2013): In the struggle between security –mongering and fair trial, Quarterly journal of criminal law research, vol 2, No. 3. (in Persian)
33. Turayhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. (2015). Majma al-Bahrayn, Vol. 6. Tehran: Maktabat al-Murtadawiyya. (in Arabic)
34. Vatani, Amir & Nargesian, Amir (2017). The principle of reasonable judicial law, vol' 24, Issue: 84. (in Persian)

Limitation of the defendant's defense rights in criminal prosecution and proceedings in Iran and international documents

Abstract:

Observance of the principle of equality of arms is directly linked to the protection of the defendant's right to defense. Any disregard for these defense rights may undermine this principle. In other words, safeguarding the rights of the defense ensures the establishment of balance and equality between the parties to the proceedings. The prosecution of offenders is intended to secure public safety and order; however, this process must be conducted within the framework of justice and fairness, since a trial is valid only when all the rights and freedoms of the defendant are duly respected. The defendant's defense rights are considered to be one of the fundamental pillars of a fair trial and guarantee a balance between the authority of the government in prosecuting a crime and the protection of individual freedoms. The basis of these rights in the Iranian legal system is seen in the principles of the Constitution and the articles of the Criminal Procedure Code, especially Article 190 thereof, and has also been emphasized in international documents such as the 1966 Covenant on Civil and Political Rights. Observing these rights not only prevents the possible violation of individual freedoms but also promotes public confidence in the criminal justice system. The duty of the legislator in any society is to provide natural, social, economic, political and legal facilities and arrangements equally for all individuals; so that it can be said that there is no discrimination between individuals. In this regard, granting the defendant's defense rights can guarantee and ensure equality of rights for the parties to a criminal case. The issue of the principle of equality of arms is an issue that has a special appearance in criminal procedure and against the accused, so that the existence of such a principle causes the accused to face less restrictions against the prosecutor, who has all the legal means to file charges and impose them on the accused; therefore, the legislator and the courts must provide the necessary measures to observe the rights of the accused and prevent their restriction, and provide the necessary facilities to the accused so that he can be acquitted of unjust accusations if he is innocent. The results of the research showed that the defendant's defense rights are one of the most important human rights issues and serious attention has been paid to it in numerous human rights documents; so that the restriction of the defendant's defense rights is considered to be faced with guarantees of execution; an issue that has been neglected to some extent in the Criminal Procedure Code of 1392 in order to reduce the restriction of the defendant's defense rights. The present study was written using a descriptive-analytical method and using library and documentary resources.

Keywords:

Defendant, right to defense, fair trial, restriction of rights